

امام زمان (عج) در دوران غیبت، از طریق تربیت تکوینی، هادی دل‌های مؤمنان است



امام زمان (عج) در دوران غیبت، از طریق تربیت تکوینی که همان تأثیر بر قلوب و نفوذ معنوی در دل‌هاست، مؤمنان واقعی را هدایت می‌کند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آنچه در متن ذیل می‌آید، بخشی از نوشتار آیت‌الله‌العظمی سبحانی در مورد بهره‌وری مردم از وجود حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت است.

از نظر قرآن کریم، اولیای الهی دو دسته‌اند: ولیّ ظاهر، که مردم وی را می‌شناسند و ولی غایب از انظار، که مردم او را نمی‌شناسند، گرچه او در میان آنها بوده و از حال آنان باخبر است.

در سوره کهف، وجود هر دو ولی، به طور همزمان بیان شده است: یکی موسی بن عمران و دیگری مصاحب موقت او در سفر دریایی و زمینی که به نام خضر معروف است. این ولی الهی به گونه‌ای بود که حتی موسی با او آشنا نبود و تنها به راهنمایی خدا او را شناخت و از علمش بهره گرفت؛ چنانکه می‌فرماید: «وَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِيَانَهُ رَحْمَةً مِنْ عَيْنِنَا وَعِلْمَانَهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا * قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلَنَا؟» (موسی و همراهش بنده‌ای از بندگان ما را (در لب دریا) یافتند که وی را مشمول رحمت خود قرار داده و از جانب خویش به او علمی آموخته بودیم. موسی به وی گفت: آیا اجازه می‌دهی همراه تو باشم تا از علوم رسل آفرین خویش به من بیاموزی؟» سوره کهف آیه 65، 66.

قرآن سپس شرحی از کارهای مفید و سودمند آن ولی الهی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که مردم او را نمی‌شناخته، ولی از آثار و برکاتش بهره‌مند بوده‌اند: سوره کهف، آیات: 71، 82. حضرت ولی (عج) نیز به سان مصاحب موسی، ولیّ ناشناخته‌ای است و در عین حال مبدأ کارهای سودمندی برای امت می‌باشد. بدین ترتیب، غیبت امام به معنی انفصال و جدایی او از جامعه نیست؛ بلکه او، همان گونه که در روایات معصومین (ع) نیز وارد شده، به سان خورشید در پشت ابر است که دیدگان آن را نمی‌بینند، اما به اهل زمین نور و گرمی می‌بخشد (کمال الدین، شیخ صدوق، باب 45، حدیث 4، ص 485).

پیامبر گرامی (ص) فرمودند: «آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از او سود می‌برند و از نور ولایتش در دوران غیبت، بهره می‌گیرند؛ چنان که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می‌برند» (بحارالانوار، ج 52، ص 93، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق). اشعه معنوی وجود امام (ع) در حالی که در پشت ابرهای غیبت نهان است، دارای آثار قابل ملاحظه‌ای است که علی‌رغم تعطیل مساله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، حکمت وجودش را آشکار می‌سازد. در اینجا به بیان برخی از این آثار می‌پردازیم:

پاسداری از آیین الهی

با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایش‌های مختلف به مکتب‌های انحرافی و دراز شدن دست مفسده‌جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست می‌رود و دست‌خوش تغییرات زبان‌بخشی می‌شود. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن، به تدریج تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می‌دهد. این نور پرفروغ، با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ‌تر می‌شود. خلاصه با آرایش‌ها و پیرایش‌های کوتاه‌بینانه افراد و افزودن شاخ و برگ‌های تازه به آن، چنان می‌شود که گاهی انسان در بازشناسی مسائل اصلی، دچار اشکال می‌شود. با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناپذیر تعالیم اسلامی را به شکل اصلی‌اش حفظ و برای آیندگان نگاه‌داری کند؟

می‌دانیم در هر موسسه مهمی، صندوق نسوزی وجود دارد که اسناد مهم را در آن نگاه‌داری می‌کنند تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند و در صورت آتش سوزی، از خطر حریق مصون باشد؛ چرا که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه در گرو حفظ آن اسناد و مدارک دارد. سینه امام و روح بلند او، صندوقچه حفظ اسناد آیین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگاه‌داری می‌کند؛ «تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید» و این یکی دیگر از آثار وجود او است.

تربیت منتظران آگاه

بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست، بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی‌آید، شمار اندکی از آماده‌ترین افراد، که سری بر شور از عشق خدا و دلی بر ایمان و اخلاص فوق‌العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند، با حضرتش در ارتباط‌اند. معنای غیبت امام (ع)، این نیست که آن حضرت به شکل روح نامرئی و یا شعاعی ناپیدا در می‌آید، بلکه او از يك زندگی طبیعی و آرام برخوردار است، به طور ناشناخته در میان همین انسان‌ها رفت و آمد دارد. دل‌های بسیار آماده را برمی‌گزیند و در اختیار می‌گیرد و آنها را بیش از پیش آماده می‌کند و می‌سازد. افراد مستعد، به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدا می‌کنند. بعضی از آنان چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز و جمعی سال‌ها با حضرت بقیة الله (عج) در تماس بوده‌اند.

آنان کسانی هستند که آن چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز، بر فراز ابرها قرار می‌گیرند، آنجا که هیچ‌گاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهان‌بخش آفتاب نیست، در حالی که دیگران در زیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف به سر می‌برند. به درستی حساب صحیح نیز همین است. کسی انتظار داشته باشد که آفتاب را به پایین ابرها فرود آورد تا چهره آن را ببیند. چنین انتظاری، اشتباهی بزرگ و پنداری باطل بیش نیست. این ما هستیم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنیم، تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشیم و سیراب گردیم. به هر حال، تربیت این گروه منتظر، یکی دیگر از حکمت‌های نهفته در غیبت آن حضرت است.

نفوذ روحانی و ناپیدا

چنان که می‌دانیم، خورشید يك پرتو مرئی دارد که از تجزیه آنها، هفت رنگ معروف پیدا می‌شود، و يك سلسله اشعه نامرئی نیز دارد که اشعه ماوراء بنفش و اشعه مادون قرمز نامیده شده است. همچنین يك رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی، که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی

صورت می‌گیرد، تربیت روحانی دارد که از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها اعمال می‌شود و می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذاشت. در آن جا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار به کار نمی‌آید؛ بلکه تنها جاذبه و کشش درونی مؤثر است.

وجود مبارک امام(ع) در پشت ابرهای غیبت نیز، این اثر را دارد که از طریق شعاع نیرومند و بردامنه «نفوذ شخصیت» خود، دل‌های آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جاذبه مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل آن‌ها می‌پردازد و از آنان انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد. ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم، ولی اثر آن‌ها روی عقربه‌های قطب‌نما، در دریاها، راهنمای کشتی‌هاست و در صحراها و آسمان‌ها، راهنمای هواپیماها و وسایل دیگر است. در سرتاسر کره زمین، از برکت این امواج، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا می‌کنند. وسایل نقلیه بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه ظاهرآ کوچک از سرگردانی رهایی می‌یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام(ع) در زمان غیبت، با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند، هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین، روی هر آهن پاره بی‌ارزش اثر نمی‌گذارد، بلکه تنها بر عقربه‌های ظریف و حساسی که خاصیت آهن‌ربایی یافته‌اند و يك نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند، اثر می‌گذارد. بدین ترتیب دل‌هایی که ارتباطی با امام(ع) دارند و شباهتی را در خود ایجاد نموده‌اند، تحت تأثیر آن جاذبه روحانی قرار می‌گیرند.